

## برویرانه‌های آرمانشهر

نگاهی به کتاب «گسست‌های اندوهبار»\*

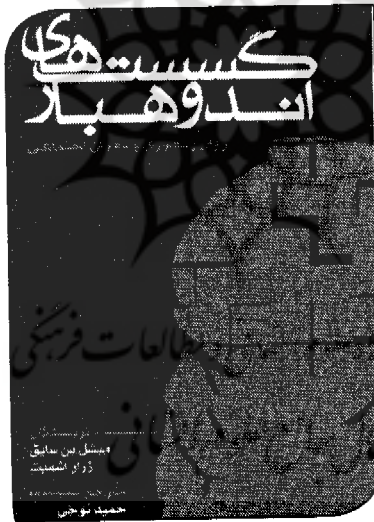
مهدی فخرزاده

ناتوانی است! اعتماد و ایمان به علوم از دست رفته است. اصل عدم قطعیت، پایان آرمان‌های پوزیتیویستی است. اما بن‌سابق معتقد نیست این موضوع یک فاجعه است. او می‌گوید هر چند خرد قطعی گرا فروریخته است، اما خردهای متنوع غیرقطعی گرا توسعه می‌یابند. به هر رو این فرایند امیدهایی که به علم بسته شده بود را هدف قرار می‌دهد، فرومی‌پاشد و این فروپاشی، اضطراب و رنج در پی دارد.

پایان عصر انسان به معنای از دست رفتن انسان نیست. بن‌سابق مرثیه‌ای برای انسان نمی‌خواند. او معتقد است توهم انسان قادر مطلق پایان یافته و باید رنج ناشی از پایان این توهم را درمان کرد. او به دنبال توانایی برای گذر از این رنج است. به هر حال انسان امروز در برابر پیچیدگی جهان قرار دارد. توهم اقتدارش فروریخته اما نباید اسیر توهم استیصال شود، بلکه باید آنچه از او در این وضعیت برمی‌آید را برشمرد. در این میان، تکنولوژی زاینده جدی این توهم است؛ تکنولوژی ما را از خود برخوردار کرد و جامعه را در تملک خود درآورد. ما هر چه در برابر تکنولوژی بهره‌مندتریم، در برابرش نادان‌تر و بی‌اطلاع‌تر می‌شویم. ما تنها می‌توانیم یک دکمه را فشار دهیم و نمی‌دانیم این همه دکمه که برای ما راه به ارمغان می‌آورند چگونه کار می‌کنند. رنج نادانی در این وضعیت، دیگر بحران انسان امروز است.

اما اتفاق دیگر، پایان اقتدار است. سلسله مراتب در حال شکسته شدن است. حتی اقتدار والدین، فروریخته شده است و هیچ کس نمی‌توان الگوهای پیشین را تبیین یا توجیه

در آینده تبدیل شده است! پایان دوم، پایان خود علم‌گرایی است. «عواطف اندوهبار» واژه‌ای است که بن‌سابق برای ناتوانی و سرخوردگی از علوم به کار می‌برد و از اسپینوزا وام گرفته شده. بن‌سابق در تعریف «عواطف اندوهبار» می‌گوید این واژه معطوف به اندوه نیست، بلکه معطوف به



**پایان عصر انسان به معنای از دست رفتن انسان نیست. بن‌سابق مرثیه‌ای برای انسان نمی‌خواند. او معتقد است توهم انسان قادر مطلق پایان یافته و باید رنج ناشی از پایان این توهم را درمان کرد. او به دنبال توانایی برای گذر از این رنج است**

پریشانی از بحران‌های جهان مدرن، این که چگونه بحران از استثنا به قاعده تبدیل شده و چگونه باید با بحران‌های این قرون روبه‌رو شد، دغدغه بن‌سابق و زرار اشمیت در اثری است که به نازگی از آنها به فارسی ترجمه شده است. همین دغدغه پیش از این نیز در هر دو کتاب دیگری که از بن‌سابق توسط دکتر حمید نوحی ترجمه شده تا حدودی پیگیری شده بود.

به‌طور کلی بن‌سابق در این اثر سعی دارد تبیین جدیدی از وضعیت انسان در برابر جهان بدهد. او در این میان مدعی نوعی نگاه «نه خوشبین و نه بدبین» است؛ وضعیت هوشیاری انتقادی. این همان منظر دیگری است که بن‌سابق با استمداد از گرامشی این گونه آن را می‌شناساند: «باید توانست خوشبینی خواست را با بدبینی عقل در هم آمیخت. بن‌سابق ما را با محدودیت‌های مان روبه‌رو می‌کند.

### پایان عصر انسان!

گسست‌های اندوهبار ابتدا چند پایان بزرگ را به ما نشان می‌دهد. اساس تمام این پایان‌ها، به قول فوکو «پایان عصر انسان» است. نخستین وجهی که در این پایان اشاره می‌شود دگرگونی نشانگان آینده است. نگاه سر تا پا خوش‌بینانه به آینده، امروز اسیر بدبینی مفرط شده است.

این که علوم نتوانستند بشراتی که وعده داده بودند و ما ایمان آورده بودیم را تدارک ببینند، نه تنها نشانه‌هایی از عدم آن خوشبختی است، بلکه ما را به بدبختی ناگزیر نیز می‌نشانند. به طور اجمال بن‌سابق معتقد است: ۱- آینده آن چیزی است که ما را از امروز جدا می‌کند. ۲- بشارت خوشبختی در آینده، اکنون به هشدار بدبختی

کند. گویی انسان سال‌ها بدن آن که به رابطه‌اش فکر کند، در یک سلسله مراتب فرورفته بود که امروز در حال فروریزی است. جنبش‌های زنان، حقوق اقلیت‌ها، دانشجویان و... همواره این اقتدار را به چالش کشیده‌اند. اما بن‌سابق و اشمیت تمام آنچه بحران می‌آفریند را بر گرفته از فرهنگ حاکم بر غرب می‌دانند.

ذات این فرهنگ است که بحران می‌زاید، سابق در این کتاب نیز نویلیر ایسم را همچون دیگر آثارش به چالش می‌کشد. چریک آرژانتینی دهه هفتاد میلادی که روزگاری با گلوله سرمایه‌داری را به چالش کشیده بود، امروز روانکاو راه‌حل بحران‌های ایجاد شده توسط سرمایه‌داری می‌داند.

### نویلیر ایسم مقتدر

بن‌سابق دو ویژگی جدی نویلیر ایسم را به چالش می‌کشد: فردیت نامحدود که ناشی از اصالتی است که نویلیر ایسم به مبادلات رقابت‌آمیز صرف مصرفی می‌دهد. در این عرصه فرد دارای آزادی مفروضی است که تک‌تک افراد را در برابر «بزرگ - فروشنده» قرار می‌دهد. در این رویارویی او ناگزیرست برای رقابت، هر آنچه عرضه می‌شود را بپذیرد. در غیر این صورت فرد با اجبار و خشونت ناب رویه‌رو می‌شود.

وضعیت دیگر نویلیر ایستی که از نظر بن‌سابق یک «بت جدید و منحصر به فرد» است، «اقتصاد محوری» است.

انگشت تمامی جریان‌های جامعه، ما را به سوی اقتصاد محوری اشاره می‌دهند تا حدی که شاید گویی هیچ نوع تربیت دیگری قابل تصور نیست. در این وضعیت بن‌سابق نگرانی‌ای دارد که شاید از دید ما کوچک باشد، اما تمام نگرانی او اختلال در بلوغ کودکان است. بن‌سابق می‌گوید این اقتدارهای پیشینی، دو وضعیت در جوانان ایجاد می‌کند: اکثریت خاموشی که اصل اقتدار را در نمی‌یابند و درگیر هم نمی‌شوند و گروهی هم که آن را در می‌یابند، عقده ادیب خود را در درگیری با مرزهای جامعه درمی‌یابند و معمولاً بازی عبور از خط قرمز را با پلیس اجرا می‌کنند.

### یادگیری به مثابه سرسپردگی

بن‌سابق از تمام آنچه بشارت آینده و ایمان به علم می‌نامد، نتیجه می‌گیرد یادگیری در عصر

## تنها دنیایی سرشار از شوق، اندیشه و خلاقیت می‌تواند زندگی را سامان دهد، اما هوس‌ها سایه‌اند؛ سایه‌هایی نازل شده از شوق زندگی

حاضر معطوف به پاسخ‌های حاضر آماده ایمان پوشالی به تکنولوژی است. سابق فراگیری تحصیلی را نیاز می‌داند، اما نه در یک وضعیت محافظه‌کارانه و ساده‌انگارانه، به قول فروید، سابق شناخت مدارانه که با بیان صرف آرزوی بقا متفاوت است.

آموزش کلاسیک، هر آگاهی که منجر به «فایده» نباشد را رد می‌کند. الگوی آموزش یکسان و الگوی زیست یکسان، غایت این نظام است. در این وضعیت همه چیز در تقسیم‌بندی فایده‌گرایانه رقابت‌آمیز معنا می‌یابد، برای نمونه پرستار کسی است که نتوانسته دکترا شود و از رقابت جامانده است.

دنیا پرشتاب در حال حرکت است، زمان می‌گذرد و این طلای تجدیدنپذیر گام به گام ما را به پایان رقابت نزدیک می‌کند. هیچ جایی برای فرار از این عبور نیست همه جاشیه هم می‌شود. اینها همان چیزهایی است که اضطراب می‌زاید. اضطراب یعنی احساس این که وقت از دست رفت. آری سابق می‌خواهد بگوید دنیا زندگی را فرو کاسته و مثله کرده است. همچنین اخبار فاجعه‌بار، انسان امروز را در عصر اطلاعات، محاصره کرده است. اضطراب ناشی از بازی با این اخبار توسط رسانه‌ها برای رقابت بیشتر از دیگر بحران‌های انسان امروز است. این اضطراب در ذهن، احساس ناامنی ایجاد می‌کند و تبعات آن ظهور مرام‌هایی با سو به‌های امنیتی است.

از آنچه تا به حال گفته شد به نظر می‌آید افراد تشکیل‌دهنده یک جامعه، موجوداتی مجزا نیستند، بلکه همچون جزایری درون اقیانوسند که اگر چه به ظاهر جدا از هم، اما همه جزئی از کف اقیانوسند.

از دید بن‌سابق و به نقل از دلوز، زندگی امر شخصی نیست و ما نمی‌توانیم محدوده زندگی شخصی خود را مشخص کنیم. عوامل بسیاری هستند که ما را به سوی زندگی جمعی سوق می‌دهند و در یک وضعیت منظم با جامعه قرار

می‌دهند، اما همزمان هر کس این نظم را به صورت رازی خود یافته، تجربه می‌کند.

این دیدگاه سابق برآمده از اندیشمندان انگزستانسیالیست است. او قائل به امر خصوصی منفک نیست و می‌گوید «باور افراطی به مجزای بودن امر خصوصی... قاطی کردن صفحه نقشه با سرزمینی است که صفحه نقشه روی آن قرار دارد».

### بحران تمدن

نویسنده در پنجمین بخش از کتاب «گست‌های اندوه‌بار» با عنوان مرزهای بحران ادعایی می‌کند که درخور توجه است، بن‌سابق می‌گوید خطر اصلی، انحراف از مسیر تمدن نیست، بلکه طی شدن مسیر تمدن حاضرست.

بن‌سابق می‌گوید منطق عقل، دچار توهم است. این منطق گاهی نمی‌تواند انسان‌ها را مجاب کند، برای نمونه آگاهی یک معنادار از خطرات مواد مخدر یا الکل، او را از اعتیاد نجات نمی‌دهد، اما این تمام اعتقاد بن‌سابق در مورد عقلانیت نیست. به این جمله از بن‌سابق توجه کنید: «تولد یک غول خون‌آشام در یک محیط عقلی و منطقی غربی» این اتفاق بارها افتاده است. بن‌سابق به هولوکاست اشاره می‌کند که در آلمان، مهد عقلانیت اروپا رخ می‌دهد. او می‌گوید با هولوکاست آرزوی محو توحش به مدد عقلانیت بر باد رفته است. این اتفاق در مهد عقلانیت اروپا، یعنی آلمان اتفاق افتاد. شاید بن‌سابق امروز بتواند نمونه‌های بیشتری بر این مدعا بیابد. یارگیری القاعده از کشورهای اسکاندیناوی از جمله مواردی است که بن‌سابق ذکر نکرده است.

### فایده‌های بی‌فایده

شاید تا به حال به فایده‌های مفید و فایده‌های بی‌فایده فکر نکرده باشیم، اما حتماً بارها شنیده‌ایم که «اگر این کار را نکنی زیان خواهی کرد».

بن‌سابق شوق و هوس را در برابر هم قرار می‌دهد. او می‌گوید: «جامعه ما به شوق زندگی دامن نمی‌زند، بلکه بیشتر به ستایش هوس‌ها می‌پردازد». از دید او تنها دنیایی سرشار از شوق، اندیشه و خلاقیت می‌تواند زندگی را سامان دهد، اما هوس‌ها سایه‌اند؛ سایه‌هایی نازل شده از شوق زندگی. بن‌سابق به جمله‌ای عمیق از گی‌دوبور اشاره می‌کند: «مردم به دنبال

علاقه خود نمی روند، بلکه به آنچه پیدا می کنند رضایت می دهند.»

این روند، نادانی و اندوه را افزایش می دهد. او دو نوع فایده قائل است؛ فایده ای بی فایده همچون فایده زندگی، خلاقیت، عشق، شوق هستی و... و فایده ای پرسود که همان ایده سودانگاران اقتصاد محور است.

سودانگاری حتی در شیوه های درمان روان رنجوری ها هم تأثیر گذارست. اقتصاد محوری، و دغدغه جان آحاد انسان را ندارد، بلکه با دارو درمانی جامعه را از «خطر انسان بیمار» می رهند. برای او رهیدن جامعه نیز با سنجه های اقتصادی و هزینه هایی که جامعه می دهد معنا می یابد. بن ساین به ما می گوید در مان به شیوه نسخه نویسی، پیش از دیگر روش ها علمی نیست، بلکه صرفاً بسیار اقتصاد محور تر است.

### بودن در جهان

بن ساین در ششمین بخش از کتاب گسست های اندوهبار به نکته ای اشاره می کند که مورد مناقشه و قابل تأمل است. این فصل در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا هستی دارای خطای تولید است؟ او ابتدا به هنجارها می پردازد. بن ساین معتقد است هنجار، وابسته به جلب توجه است، در واقع هنجار هر آن چیزی است که دیده نشود. همچنین چیزی دیده نمی شود که دارای برچسب شده باشد به این مفهوم که برچسب، ما را از ادامه کشف خود در مورد یک پدیده باز می دارد و یک پیشنهادوری در اختیار ما می گذارد که به همان بسنده می کنیم. شاید اگر یک نفر با ویلچر در خیابانی تردد کند با نگاه ترحم آمیز دیگران روبرو می شود. این نگاه یکسان که از یک نشانه - ویلچر - پی به تمام وجود او برد و او را قابل ترحم خود دانست، معجزه برچسب است.

بن ساین از زندان برچسب بیزار است. او از اسپینوزا مدد می گیرد و معتقد است هیجان های شاد دوری جستن از مسیر غم انگیز دانش هنجار ساز است. ما با برچسب ها «دیگری» و «دیگر بودن» را از بین می بریم. این برچسب ها توانایی افراد را تحت تأثیر قرار می دهد.

### امر در محدوده اجتماعی

بالاخره آنچه جامعه بر فرد تحمیل می کند چیست؟ او در ادامه «امر محتمل الوقوع» را

## آرای بن ساین، نوعی از نگاه قائل به زیست مسئولانه و عمومیت یافتن مبارزه به جای حرفه ای کردن آن مبارزه است، این دیدگاه در جهان موجی جدید از جنبش های اجتماعی را به راه انداخته است

توضیح می دهد. امر محتمل الوقوع امری است که احتمال وقوع دارد، یعنی هر کاری که یک فرد بتواند انجام دهد؛ از غذا خوردن و راه رفتن تا آدمخواری و آدم کشی یا حتی زنا با محارم. اما در مقابل آن امر قابل قبول را قرار می دهد که محدوده آن جایی است که انسان برخی کارهایی را که می تواند، انجام ندهد. جامعه ای که تمام امور محتمل الوقوع در آن قابل قبول شود محکوم به نابودی است اما اگر محدوده قابل قبول ها را نیز هر روز بکاهیم دچار ناتوانی بی چون و چرامی شویم.

بن ساین معتقد نیست لغو محدودیت های ما را خوشبخت کند، بلکه او می گوید «شکوفایی موجود انسانی... با جست و جوی طولانی و عمیق در آنچه با وجود این محدودیت ها ممکن الحصول است قابل تحقق است.» اما امروز در هم شکستن محدودیت ها در دنیای مجازی ممکن شده است. دنیای مجازی بازی های کامپیوتری مرز بین مجاز و واقعیت را از بین می برند. آنها غالباً بر اساس ویران سازی، مرگ و دیگر آزاری بنا شده اند. باز یکسان کم کم در سطحی بالاتر از حد معمول تنش عصبی قرار می گیرند. آنها اگر به این وضع عادت کنند، در حالتی که آن قدر تحریک عصبی نشوند کسلی می شوند در نتیجه همیشه توقع بیشتری دارند.

ما می بینیم در حالی که تلاش برای جست و جو در میان محدودیت ها نمی شود، به طور رسمی تلاش هایی برای شکستن مرزهای محدودیت می شود. بن ساین نتیجه می گیرد که «در جامعه ما تنها امر مقدس، کالا است» آنها به ما می گویند «در این جهانی که در آن همه چیز ممکن الوقوع است لازم نیست از تجاوز و تخطی خودداری کنیم، بلکه برعکس تجاوز خود یک قاعده است... خلافکار تنبیه نشده قهرمان جدید این

روزگاری قانون و بی ایمان است.»

### پیش به سوی درمان

آزادی چیست؟ آیا در جامعه، آزادی به واقع معنای دقیق خود را دارد؟ جامعه ما آزادی را از سلطه و خودبسندگی عبور می دهد. ما باید بر همه چیز مسلط باشیم؛ دوستان، روابط، اندام و... آزاد یعنی کسی که مسلط است.

اسادر مقابل این نگاه بن ساین آزادی را در آشتی با سر نوشت درمی یابد. او می گوید «ما در رابطه مسئولانه با آن چیزهایی هستیم که خود انتخاب نکرده ایم. از این نگاه، روانشناسی مد نظر بن ساین، قصدش «کمک به دیگری... برای به رسمیت شناختن و بهتر به جای آوردن مسئولیت های خود و آزادی خاص هر یک» است. این وضعیت بنیان اندیشه بن ساین در آثارش است. برای او تجربه زندگی مهمتر از اندیشه هاست. در دیدگاه حاکم، فرد محصول نظام اجتماعی است که انسانیت را موجودات مجزا می داند که با هم و با دیگران قرارداد می بندند. اما او شخص را در مقابل فرد قرار می دهد که متکثر و چندگانه است و محدوده ها و تنوع وجودی اش را نمی شناسد، اما به وجودش اذعان دارد.

بن ساین در مقام یک روانشناس نمی خواهد زندگی را درمان کند، بلکه می خواهد بیاموزد که باید به سادگی تمام زندگی کرد. او پذیرش تنوع وجودی را راه حل می داند و معتقد است باید در برابر این دنیا با این تنوع مقاومت کنیم. آرمان شهرها فرو ریخته اند. باید شهرهای کوچک پیرامون را دید و به رسمیت شناخت.

آرای بن ساین، نوعی از نگاه قائل به زیست مسئولانه و عمومیت یافتن مبارزه به جای حرفه ای کردن آن مبارزه است، این دیدگاه در جهان موجی جدید از جنبش های اجتماعی را به راه انداخته است. این اثر بسیار جذاب سومین اثری است که به قلم بن ساین و ترجمه دکتر نوحی در ایران منتشر می شود، دو اثر دیگر با عنوان «مبارزه، مقاومت و زندگی میشل بن ساین»، توسط نشر گام نو، و «مقاومت آفرینش است» توسط نشر چشمه منتشر شده است.

• گسست های اندوهبار: روان رنجوری و بحران اجتماعی،

میشل بن ساین و ژرار اشیت، مترجم حمید نوحی، انتشارات صمدیه، چاپ اول پاییز ۱۳۸۸، قیمت ۳۳۰۰ تومان